

امکان‌یابی‌رهایی از وضعیت فرسایش و تعلیق



علیرضاخان‌ی

جامعه‌شناس وعضوهیئت‌علمی‌دانشگاه

جوامع فقط در اثر جنگ، فروپاشی اقتصادی یا بحران‌های ناگهانی فرسوده نمی‌شوند؛ گاه استمرار وضعیتی نامشخص که در آن نه چشم‌انداز روشنی از ثبات وجود دارد و نه امکان پیش‌بینی مسیر تحولات فراهم است، به تدریج توان جامعه را برای سازماندهی زندگی و بازتولید امید تحلیل می‌برد. در چنین وضعیتی، زندگی اجتماعی متوقف نمی‌شود، امسا افق آن تیره و مه‌آلود می‌شود. افراد کار می‌کنند، می‌آموزند، خانواده تشکیل می‌دهند و برای آینده تصمیم می‌گیرند؛ با این حال، پیوسته با این احتمال مواجه هستند که تحولات پیش‌بینی‌ناپذیر، برنامه‌ها و دستاوردهایشان را بی‌اعتبارو خنثی کند. این وضعیت را می‌توان بلاکلیفی مستمر یا «تعلیق اجتماعی» (Social Suspension) نامید؛ وضعیتی که در آن، انتظار برای روشن شدن آینده از حالتی موقت خارج شده و به بخشی از ساختار زیست روزمره بدل می‌شود. استمرار این تعلیق، به‌ویژه هنگامی که با بی‌ثباتی اقتصادی، تعارض‌های نهادی، تضعیف اعتماد و محدودشدن امکان مشارکت مؤثر همراه شود، زمینه فرسایش تدریجی ظرفیت‌های فردی و جمعی را فراهم می‌آورد. حاصل این فرایند را می‌توان با مفهوم «جامعه خسته» صورت‌بندی کرد؛ جامعه‌ای که در آن، بخش فزاینده‌ای از انرژی اجتماعی به جای ساختن آینده، صرف تحمل اکنون می‌شود.

از تومی تا فرسایش اجتماعی

امیل دورکیم در تحلیل آنومی، از اختلال در قواعد و سازوکارهای تنظیم‌کننده زندگی اجتماعی سخن می‌گوید؛ وضعیتی که در آن، چارچوب‌های هنجاری قدرت پیشین خود را در جهت‌دهی به انتظارات و رفتارها از دست می‌دهند. رابرت مرتون نیز با تحلیل فاصله میان اهداف فرهنگی و فرصت‌های ساختاری دستیابی به آنها، نشان می‌دهد چگونه ناسازگاری میان انتظارات اجتماعی و امکانات واقعی (عدم دستیابی به اهداف از مسیر طبیعی) می‌تواند به تنش و انحراف بینجامد. آنتونی گیدنز در تحلیل مدرنیته بر نقش اعتماد در مواجهه با پیچیدگی‌ها و مخاطرات جهان اجتماعی تأکید می‌کند. از این منظر، اعتماد صرفا فضیلتی اخلاقی نیست؛ یکی از شرایط امکان کنش در محیطی است که هیچ فردی قادر به شناخت و کنترل همه عوامل مؤثر بر زندگی خود نیست. هارتموت رزا نیز با بررسی شتاب اجتماعی، به دگرگونی رابطه انسان با زمان و دشواری تثبیت تجربه زندگی در جهانی پرتحول می‌پردازد. با اتکا بر این دیدگاه‌ها می‌توان فرسایش اجتماعی (Social Erosion) را فرایند تضعیف تدریجی اعتماد، افق زمانی، احساس عاملیت و ظرفیت کنش جمعی در شرایط نااطمینانی مزمن تعریف کرد. «جامعه خسته» صورت زیسته این فرایند است؛ جامعه‌ای که در آن توان سازگاری و استمرار زندگی همچنان وجود دارد، اما امکان تصور آینده‌ای نسبتا پاباث و مشارکت مؤثر در ساختن آن تضعیف شده است. یکی از ابعاد مهم فرسایش اجتماعی، رابطه میان ساختار قدرت و تجربه نااطمینانی شهروندان است. نااطمینانی همواره صرفا پیامد تحولات بیرونی نیست؛ تصمیم‌ها، منازعات و شیوه‌های اعمال قدرت نیز می‌توانند در تولید یا تشدید آن نقش داشته باشند. هنگامی که نهادهای حکامیتی، جناح‌های سیاسی، گروه‌های فشار و دیگر بازیگران برخوردار از قدرت، تعارض‌های خود را به شیوه‌ای مستمر، تنش‌آفرین و غیرقابل پیش‌بینی پیش می‌برند، هزینه این منازعات از محدوده رقابت‌نخبگان فراتر می‌رود و به زندگی روزمره جامعه سرایت می‌کند. پیام‌های متناقض، تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها، منازعات فرساینده و ابهام در جهت‌گیری‌های کلان می‌توانند شهروندان و فعالان اقتصادی را در وضعیتی از انتظار و التهاب دائمی قرار دهند. در چنین شرایطی، مسئله صرفا وجود اختلاف سیاسی نیست؛ اختلاف و رقابت، از مؤلفه‌های عادی زندگی سیاسی‌اند. مسئله هنگامی پدید می‌آید که منازعه فاقد قواعد پاباث، سازوکارهای حل‌وفصل معتبر و حدود نهادی روشن باشد و پیامدهای آن به نااطمینانی فراگیر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بینجامد. در این وضعیت، نخبگان سیاسی که باید در مدیریت تعارض، کاهش مخاطرات و ایجاد افق‌های قابل اتکا نقش آفرینی کنند، ممکن است خود به یکی از منابع تشدید بحران تبدیل شوند. به بیان دیگر، بخشی از مسئله نه صرفا در ناتوانی نهادها در حل مشکلات، بلکه در شیوه کنش همان بازیگرانی نهفته است که مسئولیت مدیریت و مهار مشکلات را بر عهده دارند.

ادامه در صفحه ۱۱

شنبه ۲ آبان ۱۴۰۵
۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۲۴ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۰۸
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه



روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

اینترنت گران شد اما کیفیت همچنان در گرو محدودیت‌هاست

گرانی روی فیلترینگ



«شرق» از گره‌خوردن سرنوشت جنگ با رقابت‌های انتخاباتی آمریکا و اسرائیل گزارش می‌دهد

دو صندوق، یک ماشه

محسن رضایی: مذاکرات متوقف شده است

یادداشت

بازتعریف مسئله آب و نظریه «ورشکستگی آبی»



محمدحسین‌عمادی

مطرح می‌شود. بازنگری در شدت و ماهیت مسئله آب است. اگر مسئله آب را «کمبود» بدانیم، احتمالا افزایش عرضه را در اولویت قرار می‌دهیم؛ اگر آن را «بحران» بنامیم، به مدیریت اضطراری و بازگرداندن وضعیت به حالت عادی می‌اندیشیم؛ و اگر از «ناترازی» سخن بگوییم، در پی برقراری تعادل میان عرضه و تقاضا خواهیم بود. اما اگر نظام آبی بخشی از ظرفیت طبیعی خود برای بازسازی و بازگشت به وضعیت پیشین را از دست داده باشد، این مفاهیم دیگر به‌تنهایی کافی نیستند. برای فهم تفاوت آنها، می‌توان نظام آب را به یک نظام مالی تشبیه کرد. بارش و جریان‌های تجدیدپذیر مانند در آمدند و رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، مخازن، آبخا‌ن‌ها و تالاب‌ها بخشی از ذخایر و سرمایه طبیعی محسوب می‌شوند. در نظامی پایدار، برداشت و مصرف باید با ظرفیت تجدیدپذیر منابع و الزامات حفظ اکوسیستم‌ها تناسب داشته باشد. اگر ناترازی موقتی باشد، کاهش مصرف، افزایش بارندگی یا استفاده محدود از ذخایر ممکن است تعادل را بازگرداند، اما

یادداشت

تهران فقط با مصوبه مهار نمی‌شود



علی‌پیرحسین‌لو

پژوهشگر جامعه‌شناسی شهری

گروه‌های کم‌برخوردار سهم بیشتری از هزینه کمبودها را می‌پردازند. پس دولت بر جای درستی دست گذاشته است. محدودکردن ایجاد شهرها و شهرک‌های جدید، جلوگیری از توسعه بی‌ضابطه صنایع، کنترل تغییر کاربری زمین و توجه به ظرفیت‌های آب و انرژی، در شرایط کنونی قطعاً ضرورتی دوجندان دارد. این تصور که می‌توان همچون تجربه‌های بدپیامد گذشته، ابتدا جمعیت و فعالیت را مستقر کرد و بعداً زیرساخت را به آن رساند، دیگر نه توجیه اقتصادی دارد و نه امکان زیست‌محیطی. اما مشکل دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود: آیا با صرف مصوبه، می‌توان تهران و عطش گسترش آن را مهار کرد؟ و آیا عواملی که بر این گسترش افسارگسیخته اثر داشته‌اند، به‌خوبی شناخته و کنترل شده‌اند یا خواهند شد؟ اگر پاسخ این پرسش‌ها منفی باشد، اگر همه عوامل ملی و منطقه‌ای که جمعیت و سرمایه را به این محدوده می‌کشاند دست‌نخورده باقی بمانند و صرفا مصوبه‌ای روی مصوبات قبلی بنشیند، انتظار چه تغییری داریم؟ بستان راه توسعه در یک نقطه، فقط فشار را به نقطه‌ای دیگر منتقل خواهد کرد. این تجربه را بارها در جهان، دیگر نقاط ایران و همین تهران از سر گذرانده‌ایم. وقتی امکان سکونت در شهر گران و محدود شد، تقاضا از بین نرفت، بلکه به پیرامون منتقل شد. اگر امروز هم توسعه پیرامون نزدیک تهران را محدود کنیم، بدون آنکه منشأ تقاضا را تغییر دهیم، ممکن است نتیجه فقط شکل‌گیری حلقه‌ای دورتر و گسترش بیشتر پهنه پیرامونی باشد. تغییر اصلی باید در بودجه‌های ملی، سیاست صنعتی، توزیع اشتغال، استقرار دستگاه‌های دولتی، آموزش عالی، خدمات درمانی و سرمایه‌گذاری زیربنایی منعکس شود.

یک کتاب، یک نویسنده: گفت‌وگوی احمد غلامی با حسن سید عرب به مناسبت انتشار کتاب «هائری کرین از غربت غربی به مشرق انوار»

هجرت معنوی

هائری کرین

۶

برگزیده‌ها

شهر در تسخیر ساختمان‌ها؛ محله در حاشیه

شهر بی‌حافظه

۹

بررسی سال آبی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ نشان می‌دهد با وجود بارش‌های تقریباً نرمال، خشک‌سالی هنوز بخش بزرگی از کشور را در بر گرفته است

خشک‌سالی

در ۷۷ درصد ایران

۱۰

نگاهی به وضعیت مخاطبان سینمای ایران

خزان بر پرده نقره‌ای

۱۱

بررسی جهش مصوبات موردی کمبیسون ماده ۵ تهران در پنج سال اخیر

معمای ۲۰ میلیون

مترمربع تراکم در تهران

۹

دولت مکرون در آستانه اعتراض‌های تازه، نیروهای امنیتی را افزایش و محدودیت‌های خیابانی را گسترش داده است

آماده‌باش پاریس برای

شنبه سرنوشت‌ساز

۵

پاسخ یک کارشناس عمران به ادعای دفن پل آماده بهره‌برداری در تهران

زیر خاک میدان فتح چه بود؟

۹

یادداشت

اعتراضات اروپا

و سندرم «خودوایت‌پنداری»



مهرداداحمدی‌شیخانی

سال ۲۰۱۶، وقتی قرار بود همه‌پرسی جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا در آن کشور برگزار شود که به برگزیت مشهور شد، در فضای مجازی بحث‌ها و مطالب مختلفی ازجمله بین ایرانیان مهاجر ساکن انگلستان منتشر می‌شد. یادم هست آن روزها یکی از جالب‌ترین نکاتی که بین اغلب مهاجران ایرانی ساکن آن کشور توجه‌م را جلب می‌کرد و در یادداشتی در همان ایام هم در موردش نوشتم، هواداری آنان از خروج انگلستان از اتحادیه اروپا بود، با این توجیه که مهاجران و به‌خصوص مسلمانان مهاجر، باعث خرابی و بدبختی انگلستان هستند و به‌شدت هم بر این نظر پافشاری می‌کردند و معتقد بودند این مهاجران را باید از انگلستان بیرون کرد. یادم هست با یکی از همسین ایرانیان در فضای مجازی بحث می‌کردم و به او گفتم که خود تو هم مهاجری و مسلمان، آیا با مجوز ورود خودت به انگلستان هم مخالفی و اعتقاد داری که تو را هم باید از انگلستان بیرون کنند؟ که گفت ما ایرانی‌ها با این مهاجران فرق داریم و البته هرچقدر گفت‌وگویمان ادامه پیدا کرد، معلوم نشد این فرق که می‌گفت، دقیقاً چیست و اصلاً آیا برای اروپاییان، یک خاورمیانه‌ای یا خاورمیانه‌ای دیگر تفاوتی دارد یا نه؟

همکار گرامی

سرکار خانم نورا حسینی

مصیبت وارده را به شما و

خانواده محترم تسلیت می‌گوییم.

از خداوندمتعال برای آن مرحوم

غفران و برای بازماندگان صبر

مسئلت داریم.

روزنامه شرق

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه در صفحه ۱۱